

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: ۲۰۲۰S۳D۱۲SH۰M ISSN-P: ۲۰۳۸-۳۷۰۱

بررسی فقهی احکام و شرایط فرزندخواندگی در اسلام

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۵/۲۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۱۲/۱۵)

دکتر خلیل اله احمدوند^۱

هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه رازی

بهاره رفیعی

پژوهشگر و محقق

شهلا جاسمی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده

یکی از مهم ترین مسائلی که امروزه در سطح وسیعی از جامعه با آن روبه‌رو هستیم مسئله‌ی ناباروری زوجین و به تبع آن درخواست برای تقبل و سرپرستی فرزندخوانده از مراجع ذیصلاح و قانونی می‌باشد. فرزندخواندگی و احکام مربوط به آن مانند حرمت ناشی از فرزندخواندگی، مسئله ارث، نفقه، ولایت، ازدواج و غیره از جمله مسائلی هستند که با عنایت و توجه بیشتر به آن‌ها می‌توان تا حدودی شبهات مربوط به این مسئله را حل و فصل کرد. لذا این مقاله سعی بر آن دارد که با توجه به آیات مطرح شده در قرآن کریم و فقه امامیه و فتوای مجتهدین عظام و شناخت ماهیت فرزندخوانده، احکام و راه‌های محرمیت فرزندخواندگی را بررسی نماید و نتایج حاصل از آن را ارائه دهد.

واژگان کلیدی: فرزندخواندگی، ناباروری، محرمیت، خانواده، سرپرستی

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: کلیات

امروزه در جهانی زندگی می‌کنیم که با توجه به پیشرفت‌های علمی، فناوری و تکاپوی انسان‌ها برای تحصیل و علم‌آموزی و از سوی دیگر تمایل جوانان به شیوه زندگی به سبک غربی، شاهد آن هستیم که عملاً سن ازدواج دختران و پسران به سن نامتعارفی رسیده و آمار نیز نشان‌دهنده آن است که سن ازدواج در هر دو گروه بالا رفته تا جایی که تمایل به زندگی مجردی غلبه بر زندگی مشترک و تأهل دارد. اگر این مسئله را از نظر پزشکی مورد بررسی قرار دهیم، در گروه آقایان مشکل زیادی را از نظر باروری ایجاد نمی‌کند اما در مورد خانم‌ها، مسئله سن و سال در مورد ناباروری مطرح می‌شود و این امر در طولانی‌مدت آثار و نتایج خود را نشان خواهد داد و در آینده‌ای نه‌چندان با در صد بالا قابل توجهی از زنان مواجه خواهیم بود که این شرایط در جامعه هم وجود دارد. از سوی دیگر نیز با زوج‌هایی روبه‌رو هستیم که با وجود تلاش‌های زیادی که در این زمینه انجام داده‌اند هنوز هم صاحب فرزند نشده‌اند که لقاح مصنوعی یکی از این راهکارها است. به همین علت درصدد پذیرش فرزندخوانده از طریق ارگان‌های چون پرورشگاه‌ها می‌باشند. اما در این میان مسائلی وجود دارد که پذیرفتن فرزندخوانده را با مشکلاتی مواجه می‌کند از جمله آن، مسئله محرمیت فرزندخوانده با والدینی که سرپرستی او را به عهده دارند هست. زیرا این کودک قرار است در آغوش خانواده‌ای پرورش یابد که به‌سان والدین او هستند و اگر فرزندخوانده دختر باشد علاوه بر مهر مادری نیازمند آغوش پرمحبت پدر نیز خواهد بود و همچنین اگر فرزندخوانده پسر باشد بازهم این نیاز را علاوه بر پدر نسبت به مادر احساس خواهد کرد و این امر با مسئله محرمیت سنخیت ندارد و طرفین را دچار مشقت خواهد کرد. بنابراین باید برای رفع این مشکل راه حلی پیدا کرد که در اینجا مسئله محرمیت فرزندخواندگی مطرح می‌گردد. در عصر حاضر باید این مسئله را مدنظر داشت که در اکثر خانواده‌ها، فرزندخوانده تنها فرزند محسوب می‌شود و علاوه بر مسئله محرمیت احکام مربوط به نسب و ارث‌بری زوجین از فرزندخوانده و برعکس و مسائل مشابه دیگر نیز موج خواهد شد.

بخش دوم: فرزندخواندگی، معانی و معادل‌های آن

(الف) معنای لغوی فرزندخواندگی

فرزندخواندگی از نظر لغوی از (فرزند خواندن) گرفته شده است؛ به این معنی که شخصی بیگانه‌ای را که با او نسبت فرزندى ندارد، فرزند خود بخواند. معادل انگلیسی این واژه (Adoption) و معادل عربی آن (دعی) است. هم‌چنین واژه (دعی) مشتق از (دعو، دعا) است که به معنای صدازدن، خواندن، دعوت کردن و نامیدن است. در زبان عربی واژه (ابنی) را نیز معادل فرزندخواندگی آورده‌اند.

۱- معنای اصطلاحی فرزندخواندگی

در اصطلاح، فرزندخواندگی یک نهاد حقوقی است که به واسطه آن رابطه میان زن و مرد یا احد از آنان از یک سو و فرزندى که شرعاً یا طبعاً (از نظر ژنتیکی) متعلق به آنها نیست، از سوی دیگر ایجاد می‌گردد. در این رابطه زن و مرد به عنوان مادر و پدر و کودک به عنوان فرزند آنان است. از این رو زن و مرد را مادرخوانده و پدرخوانده و شخص پذیرفته شده را فرزندخوانده می‌نامند.

۲- معنای اصطلاحی سرپرستی

سرپرستی در معنای اصطلاحی بدین معناست که برخی از آثار قرابت نسبی و به موجب قانون بین زوجین سرپرست و فرد تحت سرپرستی به وجود می‌آید. در واقع، تفاوت فرزند واقعی و فرزند حکمی یا ظاهری در این است که پیوند موجود بین فرزند حقیقی و پدر و مادر وی، پیوندی طبیعی و ناگسستنی است و رابطه حقوقی بین آنها هرگز از بین نخواهد رفت؛ ولی پیوند بین فرزند و پدر و مادرخوانده به آن محکمی نیست و عواملی نظیر انحلال خانواده و غیره، بسته به سیاست مقنن، ممکن است رابطه حقوقی موجود را زایل کند (صالحی و دیگران، ۱۳۵۳، ۴-۱). دیدگاه فقها در رابطه با نفقه فرزندخوانده: با توجه به آیات قرآن و وظیفه والدین نسبت به انفاق به فرزندان از بدو تولد آغاز می‌گردد، مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند. (این برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و در فراز بعدی آیه، خداوند تهیه نفقه را بر دوش (المولودله) قرار داده؛ یعنی کسی که فرزند از متولد شده



که همان پدر واقعی بچه است. همان گونه که از این آیات برمی آید، وظیفه انفاق به کودک بر عهده پدر طفل هست که حتی در صورت درخواست اجرت از سوی مادر جهت شیر دادن باید به او نیز اجرت پردازد. اما در مورد فرزندخوانده موضوع به گونه ای دیگر است، از آنجا که داشته های فقهی رسمیتی برای فرزندخواندگی قائل نیستند، در این باب سخنی از سوی فقها رانده نشده است، و تنها تحت عنوان لقیط است که وظیفه نفقه بر عهده ملتقط قرار داده شده که آن هم تحت شرایط خاصی است، از جمله این که بر ملتقط واجب است که به شکل متعارف از لقیط نگهداری و سرپرستی نماید هر چند واجب نیست که ابتدا از مال خود هزینه نماید، بلکه از مال لقیط یعنی مالی که به همراه دارد و یا از مالی که بر امثال او وقت شده است می تواند به اذن حاکم شرع هزینه های او را پردازد و اگر هیچ یک از این شرایط موجود نباشد هزینه های نگهداری لقیط بر عهده بیت المال خواهد بود و نیز هرگاه بیت المال نیز وجود نداشته باشد ملتقط می تواند از سایر مسلمین استعانت جوید و بر مسلمانان نیز واجب کفایی است که او را یاری رسانند. اما در شرایطی که این امر (یاری رساندن مسلمین) نیز امکان نداشته باشد؛

الف) در صورتی که ملتقط قصد رجوع و پس گرفتن هزینه ها را از لقیط داشته باشد، هزینه های او را خود ملتقط می پردازد و پس از این که لقیط تمکن و قدرت مالی پیدا کرد ملتقط به او رجوع می کند و عوض آنچه را که برای او هزینه کرده است، می گیرد.

ب) در صورتی که ملتقط قصد رجوع و پس گرفتن هزینه ها را نداشته باشد. در این صورت متبرع محسوب می گردد و حق رجوع ندارد (خنجری و دیگران، بی تا، ۱۳).

بخش سوم: فرزندخواندگی در قرآن، اسلام و روایات

بحث فرزندخواندگی یکی از مسائل مبتلابه و حساس جامعه ما و بلکه همه جوامع است. زیرا معضل کودکان بی سرپرست و همین طور کودکان بد سرپرست مسئله ای است که فراگیر است و در هر جامعه ای وجود دارد. فرزندخواندگی در طول تاریخ با اهداف گوناگون وجود داشته که گروهی طفلی را به عنوان فرزند قبول می کردند بدون این که رابطه نسبی و هیچ قرابتی وجود داشته باشد. زن و شوهری یک کودک را به فرزند خود قبول می کنند در حالی که پدر و مادر واقعی اش نیستند. این مسئله قبل از اسلام هم بوده، اما در اسلام به ادعای برخی منسوخ و

به ادعای برخی دیگر متحول و البته بحث شده، که اساساً در سوره مبارکه احزاب، آیا فرزندخواندگی منسوخ شده یا این که فقط آثار حقوقی اش متحول شده و تغییر کرده است. در سال ۱۳۵۳ قانونی تحت عنوان حمایت از کودکان بی سرپرست به تصویب رسید که با توجه به شرایط و احکامی که در این قانون ذکر شده، کودکان بی سرپرست به زن و شوهر فاقد اولاد سپرده می‌شد. در این قانون که هم‌اکنون هم جریان دارد شرایط ذکر شده از جمله این که زوجینی که متقاضی فرزندخواندگی با حمایت از طفل بی سرپرست هستند باید تقاضای خودشان را به دادگاه صالحه به‌طور مکتوب عرضه کنند، یکسری شرایطی را باید داشته باشند از جمله این که سلامت جسمی و روانی داشته باشند، یکی از والدین به سن ۳۰ سال رسیده باشد، تمکن مالی و صلاحیت اخلاقی داشته باشند. البته، ذکر شده که طفل حداقل ۱۲ ساله باشد که بتواند خودش را با خانواده جدید منطبق کند. با بررسی‌هایی که انجام می‌شود طفلی که فاقد سرپرست است، ابتدا به‌طور آزمایشی، با یک قرار شش ماهه به این متقاضیان سرپرستی داده می‌شود و بعد قابل تبدیل به حکم سرپرستی است. بحث فرزندخواندگی هم در جوامع غربی و هم در جوامع شرقی اعم از اسلامی و غیر اسلامی مطرح بوده و هست و در کتاب‌های فقهی نیز مطالبی پراکنده پیرامون این موضوع بیان شده است اساساً تا زمانی که موضوعات فقهی کاملاً واضح نشود نمی‌توان احکام مربوط به آن‌ها را به دست آورد، بنابراین در مورد بحث فرزندخواندگی نیز ابتدا باید ماهیت فرزندخواندگی برای ما روشن شود و بدانیم چه رابطه‌ای بین فرزند پذیر و فرزندخوانده وجود دارد تا در پرتوی آن به احکام و آثار فرزندخواندگی همچون ارث، نفقه محرمیت، ولایت و اجازه در نکاح فرزندخوانده و غیره پی ببریم. البته قانون‌گذار در سال ۱۳۵۳ باظرفتی خاص از تعبیر فرزندخواندگی استفاده نکرده و به جای آن عبارت «سرپرستی کودکان بدون سرپرست» را به کار برده و اخیراً در لوایح جدید عبارت «کودکان بد سرپرست» هم اضافه نموده است. فرزندخوانده کسی است که دیگری (غیر از پدر و مادر واقعی) او را به فرزندپذیری پذیرفته باشد. فرزندخواندگی سابقه تاریخی دارد و قرآن به سابقه آن پیش از اسلام و نیز زمان نزول قرآن اشاره دارد. در عربستان، فرزندخواندگی بسیار رایج بود و پیامبر نیز فرزندخوانده‌ای به نام زید بن حارث داشت. اعراب برای



فرزندخوانده همان آثار و احکام فرزند واقعی را در نظر می‌گرفتند؛ مانند ارث بردن و محرومیت. قرآن برخی احکام مرسوم فرزندخواندگی را رد کرد. فرزندخواندگی در قرآن: نزول آیات درباره فرزندخواندگی، نشان می‌دهد که در عصر نزول قرآن نیز فرزندخواندگی رواج داشته است. قرآن، در دو جا با جمله « شاید به ما سودی برساند یا او را به فرزندی بپذیریم » به سابقه این موضوع در پیش از اسلام اشاره می‌کند. مورد اول آیه نهم سوره قصص است؛ هنگامی که حضرت موسی را از آب گرفتند همسر فرعون (آسیه) این جمله را درباره موسی می‌گوید. مورد دوم آیه ۲۱ سوره یوسف است؛ وقتی که عزیز مصر یوسف را خرید، به همسرش زلیخا این جمله را درباره یوسف می‌گوید. همچنین در آیه ۷۴ سوره انعام، آزر، پدر حضرت ابراهیم خوانده شده است) و هنگامی را که ابراهیم به پدر خود «آزر» گفت (اما از آنجاکه او عمو یا همسر مادر حضرت ابراهیم بوده است، نتیجه گرفته می‌شود آزر، حضرت ابراهیم را به فرزندخواندگی پذیرفته بوده است. برخی مفسران نیز فرزندخواندگی را یکی از مصادیق پیمان و عقدی می‌دانند که در آیه ۳۳ سوره نساء به آن اشاره شده است: و کسانی که شما [با آنان] پیمان بسته‌اید. نکته دیگر این که اعراب درباره خداوند نیز موضوع فرزندخوانده و فرزند ادعایی را اظهار می‌کردند. آیاتی از قرآن به این موضوع اشاره دارند؛ مانند: سوره بقره آیه ۱۱۶؛ سوره یونس آیه ۶۸، برخی آیات نیز فرزندخواندگی برای خداوند را نفی می‌کنند مانند: سوره اسراء آیه ۱۱۱، سوره مریم آیه ۹۲؛ سوره انبیاء آیه ۲۶ (قرآن کریم).

بخش چهارم: احکام فرزندخوانده

در اسلام، فرزندخواندگی به شیوه جاهلیت و در نظر گرفتن تمام آثار فرزند واقعی، نفی شد و قرآن با صراحت آن را در آیه چهارم سوره احزاب رد می‌کند: « و خدا فرزندخواندگانتان را فرزندانتان نساخت. این‌ها چیزهایی است که به زبان می‌گویید». این آیه با واژه « ادعیاء » (جمع « دُعی ») از فرزندخواندگی یاد و بیان می‌کند که رابطه فرزند با پدر و مادر، رابطه‌ای حقیقی و طبیعی است نه تشریفاتی و قراردادی، همچنین در آیه بعدی نیز تأکید می‌کند که فرزندان را به نام پدرانشان بخوانید که این نزد خدا منصفانه‌تر است و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید آنان را موالی و برادران دینی خود بدانید. پیامبر اسلام، قبل از بعثت، زید بن حارث را که هشت سال

داشت فرزندخوانده خود برگزید و این فرزندخواندگی سی سال طول کشید است. اما پس از آن که قرآن فرزندخواندگی را باطل اعلام کرد، پیامبر برای نفی این سنت، با همسر پسرخوانده اش پس از آن که زید از او (زینب دختر حبش) طلاق گرفت، ازدواج می کند (ویکی شیعه، <http://fa.nikishia.net>). قرآن در آیات ۳۶ تا ۴۰ سوره احزاب به ماجرای این ازدواج اشاره می کند و حتی در آیه ۳۷ این سوره از زید نام می برد. همچنین برای پاسخ به این اعتراضات که چرا پیامبر با همسر پسرش ازدواج کرده، در آیه ۴۰ تأکید می کند که محمد پدر تکوینی و طبیعی (زیستی) هیچ یک از مردان شما نیست، بلکه او رسول خدا و خاتم پیامبران است. قرآن، سه اثر مرسوم فرزندخواندگی، یعنی نَسَب، مَحْرَمیت و ارث را صراحتاً نفی می کند: نسب در آیه ۴ سوره احزاب، رابطه نسبی فرزندخواندگی و نام گذاری فرزندخوانده به غیر پدر واقعی رد می شود. در روایات فقهی نیز به عدم ثبوت نسبت میان فرزندخوانده و فرزند پذیر تصریح شده است. در کتب فقهی برای رابطه نسبی میان فرزند و بستگان نسبی اش، آثار متعددی بیان شده است، اما برخی معتقدند که در اسلام تنها برخی از آثار (محرمت، ارث و ازدواج) پذیرفته نشده اما آثار دیگر مانند: حضانت، ولایت شرعی، نفقه میان والدین و فرزندان، ربا میان پدر و فرزند و ... برقرار است.

بخش پنجم: مَحْرَمیت

اسلام سه شرط را به عنوان شرایط محرمیت مطرح کرده است که عبارت اند از: نَسَب، رابطه نسبی فرزند با والدین (سَبَب) مانند سببیت ازدواج در محرمیت عروس یا آمیزش در محرمیت ربیبه (رضاع) شیردهی طبق ضوابط شرعی (موجب محرمیت می شود که هر کدام مفهوم و مرز روشن و معینی دارند و بدون رعایت آن ضوابط، هیچ کدام از این عوامل شامل فرزندخوانده و فرزند پذیران نمی شود. آیات ۴۰، ۳۶ سوره احزاب بر عدم محرمیت همسر فرزندخوانده بر فرزند پذیر و حلال بودن ازدواج با او پس از جدایی دلالت دارد. برخی از فقهای معاصر، به محرمیت فرزندخوانده فتوا داده اند، که نقدها و دفاع هایی را در پی داشته است. برای حل مشکل محرمیت میان فرزندخوانده و فرزند پذیر، برای برخی موارد راه حل های شرعی با شیردهی و ازدواج بیان شده است. به این راه حل ها در کتب فقهی در احکام رضاع و نکاح یا در



استفتائات از مراجع تقلید اشاره شده است. ارث در رسم فرزندخواندگی، فرزندخوانده مانند فرزند حقیقی خانواده ارث می‌برد. با نزول آیات ۴ و ۴۰ سوره احزاب که در آن‌ها فرزند حقیقی بودن پسرخوانده نفی شده، آثار آن از جمله توارث نیز ابطال شده و همچنین آیات ارث، از جمله آیه ۱۱ سوره نساء که در آن ارث والدین و فرزندان بیان شده است، بر رابطه طبیعی و واقعی میان آن‌ها دلالت دارد. فقها موضوعات فقهی را به عبادات و معاملات و همچنین معاملات را به احکام، عقود و ایقاعات تقسیم می‌کنند. با توجه به موارد مذکور باید بررسی شود که، ماهیت فرزندخواندگی جز کدام دسته از اقسام معاملات یعنی: حکم، عقد یا ایقاع است؟ برخی از حقوقدانان ماهیت فرزندخواندگی را ایقاع و حکم دادگاه را تأسیسی دانسته و معتقدند که به واسطه این حکم موقعیت جدیدی به وجود می‌آید که احکام ویژه و خاص خود را دارد قیاس آن را با ولایت و قیمومیت و یا امانت صحیح ندانسته و بر این باور هستند که سرپرستی نه ولایت است و نه قیومت و نه خانواده پذیرنده، امین جامعه است که به نمایندگی از حاکم در تربیت و نگهداری کودک نقش داشته باشد. به نظر ما حکم قضایی نمی‌تواند عهده‌دار بار حقوقی گسترده‌ای باشد که بر فرزندخواندگی مترتب است مثل نفقه، ضمانت خسارات وارده از سوی کودک، ارث و غیره، پس باید این رابطه را عقد یا ایقاع بدانیم. ایقاع در شریعت اسلام تقریباً محدود و محصور است و نمی‌توان شروط زیادی بر آن گذاشت و قابل تعلیق هم نیست، بنابراین چاره‌ای نداریم فرزندخواندگی را یک قرارداد و عقد بدانیم و از آنجا که عقد برای تحقق نیاز به دو طرف ایجاب‌کننده و قبول‌کننده دارد در اینجا قبول‌کننده، فرزند پذیر است و ایجاب‌کننده ولی خاص (اگر وجود دارد) یا ولی عام یعنی حاکم است (الحاکم ولی من لا ولی له) و شرایط موردنظر مثل پرداخت نفقه، تربیت کودک و ...، در ضمن این عقد مطرح شده و به همین دلیل عمل به آن‌ها لازم می‌شود. ممکن است گفته شود که این شروط می‌تواند ضمن عقد مطرح شده و به همین دلیل عمل به آن‌ها لازم می‌شود. ممکن استفاده شود که این شروط می‌تواند ضمن عقد مطرح شده و به همین دلیل آن‌ها لازم می‌شود. ممکن است گفته شود که این شروط می‌تواند ضمن عقد خارج لازم یا به صورت ابتدایی ذکر شو که می‌گوییم در صورت اول بازم نیاز به وجود یک عقد است و در صورت

دوم هم‌نظر مشهور فقها بر این است که شروط ابتدایی لزوم ندارند، پس نتیجه می‌گیریم که فرزندخواندگی فقط باید به صورت یک عقد و قرارداد منتقد شود. فرزندخواندگی یک مصلحت ترجیحی و تکمیلی است، می‌دانید مصلحت را در یک تقسیم کلان به سه قسمت تقسیم می‌کنند که اصلش هم از امام محمد غزالی است، در فقه ما، شهید اول و میرزای قمی اخذ کرده و به کار برده‌اند:

- ۱- مصالح ضروری، که اگر نباشد نظام نوع انسانی مختل می‌شود.
- ۲- مصالح حاجی، مثل ازدواج، نیاز به رابطه، مفاهمه، مراوده.
- ۳- مصالح تحسینی، یعنی چیزهایی که نمی‌شود گفت ضرورت نظام نوع انسانی است و حتی نمی‌شود گفت مثل اصل ازدواج یک حاجت است ولی انسان داشته باشد خیلی خوب است و زندگی‌اش آرام تر و با قرارتر است؛ مثل داشتن بچه، و لذا احتیاج به فرزند یک نیاز تحسینی است، البته ممکن است این احتیاج یک عارض ثانوی پیدا کند. مثلاً فرض کنید خانواده‌ای در حال متلاشی شدن است، یا غیبت و تهمت و ناسزا و ضرب و شتم بین زن و شوهر حاکم شده و اگر مثلاً فرزندی بیاورند این مشکل حل می‌شود، این عارض ثانوی است، یعنی درواقع فرزندخواندگی از مصلحت ترجیحی و تکمیلی شروع می‌شود تا ممکن است به مصلحت حاجی برسد البته ضروری نمی‌شود (نشسته‌های علمی مرکز فقهی ائمه (ع)، ۱۳۹۰، ۱۵۸-۱۴۰).

توصیه‌های آیت‌الله مکارم شیرازی درباره فرزندخواندگی: آیت‌الله مکارم شیرازی فرموده‌اند: «نمی‌توان نام فرزندخواندگان را در شناسنامه وارد کرد چراکه این کاره احکام نسب را تغییر می‌دهد». به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، منطقه قم آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در ادامه درس تفسیر قرآن کریم خود در ماه مبارک رمضان که در شبستان امام خمینی حرم مطهر حضرت معصومه (س) برگزار شد، افزودند: یکی دیگر از خرافات اعراب جاهلی به فرزندخواندگی، گرفتن بچه‌هایی بود که تحت هر عنوانی بی‌سرپرست بودند. ایشان ادامه دادند: این کار مشکلی ندارد ولی آن‌ها نام فرزند خود را بر این فرزندان می‌گذاشتند و تفاوتی نیز میان فرزند خود و فرزندخوانده قائل نبودند و درمکرد آن‌ها تمام احکام نسب را



رعایت می کردند، آیت الله مکارم شیرازی با آورد شد: «آیه نازل شد که آن‌ها بچه‌های نسبی شما نیستند بلکه، بچه‌هایی نسبی هستند که از نطفه شما و همسران به وجود آمده باشد». این استاد تفسیر بیان کردند: آیه پنجم از سوره احزاب نیز همین مسئله را دنبال می کند که نام پدر واقعی این کودکان را ببرید و اگر پدر آن‌ها را نمی شناسید، آن‌ها برادران دینی و دوستان شما محسوب می شوند. آیت الله مکارم شیرازی تصریح کردند: در این زمینه قرآن کریم حتی سخت گیری نیز می کند که اگر سهواً آن‌ها را پسر م خطاب کردید اشکالی ندارد ولی اگر از روی عمد به این امر مبادرت کردید شرعاً مرتکب گناه شده‌اید. وی بایان این که «در دنیای امروز نیز این مسائل وجود دارد» گفتند: شبیه آن در دنیای امروز توسط زورگویی که اهل منطق نیستند رخ می دهد و در بعضی از جرایم ذکر می شود که امریکا فلان گروه را در لیست تروریستی خود قرار داده یا حذف کرده؛ در صورتی که به حرف و قرارداد آن‌ها چیزی عوض نمی شود. این استاد حوزه بیان نمودند: بعضی از خانواده‌هایی که بچه‌دار نمی شوند با مراجعه به مراکز، همچون بهزیستی اقدام به قبول فرزندخواندگی می کنند که در این صورت مسئله محرمیت پیش می آید که اگر در سن شیرخوارگی بود از بستگان زن باید به کودک شیر دهند تا به زن که بچه‌دار نمی شود محرم شود. همچنین ذکر کردند: ولی گاهی بچه از سن شیرخوارگی رد شد، ولی می توان اگر فرزند دختر بود به عقد پدر مردی در آوردند که بچه‌دار نمی شود تا به عنوان زن پدر او برایش محرم شود. آیت الله مکارم شیرازی تأکید کردند: گاهی اوقات بهزیستی شرط می کند که نام بچه‌ای که به فرزندگی قبول می کنید را در شناسنامه خود قید کنید که این کار از نظر شرعی صحیح و جایز نیست چراکه با این کار شما، نسب دگرگون می شود. اگر بحث ارث است خوب مرد می تواند از ثلث حق خود برای کودک وصیت کند و تجربه ثابت کرده که در آخر این فرزند متوجه قضیه می شود و با توجه به این مشاوره قبل از فرزند پذیری از موارد مهمی است که زوجین قبل از تشکیل کمیته فرزندخواندگی باید در آن شرکت نمایند (خبرگزاری ایسنا، سخنان آیت الله مکارم شیرازی در باب فرزندخواندگی)|

بخش ششم: شرایط فرزندخواندگی

زن و شوهر داوطلب سرپرستی، ایرانی و مقیم ایران باشند. پنج سال تمام از تاریخ ازدواج آن‌ها گذشته و از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند. سن یکی از زوجین حداقل سی سال باشد. زوجین دارای محکومیت جزایی مؤثر به علت ارتکاب جرائم عمدی و مهجور نباشد. زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند. زوجین یا یکی از آن‌ها دارای تمکن مالی باشند. زوجین مبتلابه بیماری صعب‌العلاج نباشند. زوجین معتاد به مواد الکلی یا مواد مخدر و سایر اعتیادات مضر نباشند. هرگاه زوجین پزشکی نتواند صاحب فرزند شوند معافیت از شرایط دو و سه به عهده دادگاه است (www.Behzisti.ir/news/۴۸۴/«محرّم» کسی است که ازدواج با او حلال نباشد. در اصطلاح فقه و در باب نکاح به کسی گفته می‌شود که ازدواج با او به صورت همیشگی به یکی از این سه دلیل حرام باشد:

۱. وجود قرابت نسبی.

۲. وجود رابطه رضاع (شیرخوارگی).

۳. وجود حالت مصاهره (دامادی).

همچنین به هر زنی که نزدیکی با وی جایز باشد، مثل همسر و ملک یمین نیز محرم گفته می‌شود علاوه بر معنای فقهی آن، معانی دیگری هم دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. خویشی، کس و کسانی که حق ورود به خانه‌ی دیگری را داشته باشند.

۲. رازدار و ندیم.

۳. هرکسی یا چیزی که برخوردار از احترام باشد و هیچ‌گونه تعرضی بیرون موازین شرعی و قانونی نسبت به آن روا نباشد و دفاع از او واجب است.

بخش هفتم: ناباروری چیست؟

ناباروری به حالتی گفته می‌شود که شما به مدت شش ماه تا یک سال (بسته به سن شما) به صورت محافظت نشده رابطه جنسی داشته باشید ولی باردار نشوید. در واقع علامت اصلی ناباروری همان باردار نشدن است و ممکن است شما علاوه بر این علامت هیچ‌گونه نشانه یا علائم دیگری را مشاهده نکنید. علائم ناباروری به علل ناباروری بستگی دارد. بسیاری از



شرایط پزشکی و سلامتی می‌توانند باردارشدن را دشوار کنند البته در برخی موارد هیچ‌گونه علت مشخصی برای ناباروری فرد تشخیص داده نمی‌شود.

بند اول: خانواده

خانواده به مفهوم محدود آن، عبارت است از یک واحد اجتماعی ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده آن را تکمیل می‌کنند. تعریف دیگری خانواده را شامل مجموعه‌ای از افراد می‌داند که باهدف و منافع مشترک زیر سقفی گرد هم می‌آیند. اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می‌کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می‌دهد و نکاح عقدی است که بر اساس آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار شده و در پس آن طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می‌شوند (<https://shafajoo.com>). ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می‌آید اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی می‌گردند. اساس تشکیل خانواده این است که زن و مردی می‌کوشند اراده خود را بر تأسیس آن و قبول تکالیفی که شرع برای آن‌ها معین کرده است محقق گردانند. بر این اساس خانواده یک تأسیس حقوقی به حساب خواهد آمد که اعضای آن با رشته خونی باهم پیوند پیدا می‌کنند. جامعه‌شناسان خانواده را یک پدیده تاریخی می‌دانند که از اجتماع کلی جدا نیست. واحدی است اجتماعی که درعین حال خصایص یک‌نهاد و یک گروه را واجد است. براین اساس در عین مطالعه کلی خانواده به چشم یک‌نهاد و یک گروه ارادی نخستین رهبری و عضویت نگریسته شود (<http://pajoooh.ir>).

بند دوم: حرمت ناشی از فرزندخواندگی

در زمان جاهلیت، اعراب پسرخوانده خود را که دَعِی می‌نامیدند (قرشی ۱۴۱۲: ۳، ۳۴۸) پسر حقیقی خود دانسته و در تمام احکام ثبوت، مانند نکاح وارث و سایر امور، همچون پسر واقعی خود می‌شمردند و لذا زنی که برای پسرخوانده خود می‌گرفتند، عروس واقعی خود می‌شمردند، و او را محرم خود می‌دانستند و پس از آن که پسرخوانده، او را طلاق می‌داد به نکاح خویش در نمی‌آوردند چراکه می‌گفتند: زنِ فرزند ما و عروس ماست و حرمت مؤبّد دارد. (تهرانی، ۱۴۲: ۱ و ۱۲۷) اما قرآن کریم این رسم را منسوخ کرد. زمانی که پیامبر گرامی

اسلام زن پسر خوانده خود (زید) را به همسری گرفت. که آیاتی از سوره مبارکه احزاب بیانگر این واقعه است: «وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ ۗ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَا كَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (احزاب / ۳۷)» (به خاطر بیاور) زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی (به فرزندخواندهات زید) می گفتی: «همسرت را نگاهدار و از خدا بپرهیز» (و پیوسته این امر را تکرار می کردی) و در دل چیزی پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند و از مردم می ترسیدی درحالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی! هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سر آورده (و از او جدا شد) ما او را به همسری تو درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج پسرخوانده هایشان (هنگامی که طلاق می گیرند) نباشد و فرمان خدا انجام شدنی است (و سنت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود). ایشان در هنگام نزول احکام شدید، که مردم در بدو و امر تحمل آن را نداشتند، آن حکم را اول درباره خود و اقوام و نزدیکان خود اجرا می فرمودند و عمل می کردند تا مردم بدانند که رسول الله خود، با نفس نفیس خویش در معرض این احکام قرار گرفته و درباره خود اجرا کرده است و بنابراین استیماش و نگرانی از بین برود و یا لااقل تخفیف پیدا کند (تهرانی. ۱۴۲۱: ۱، ۱۲۹). مشکلی که معمولاً زوجین مؤمن را رنج می دهد و در پاره ای از موارد آن ها را از پذیرش چنین فرزندی منصرف می کند مشکل محرمیت است که در آینده پیش خواهد آمد. یکی از چاره ها و حیل های شرعی، ایجاد محرمیت از طریق رضاع و شیرخوارگی است (مکارم شیرازی ۱۴۲۸: ۹۹) این در زمانی است که فرزندخوانده شیرخوار باشد یعنی به سن دوسالگی نرسیده باشد چراکه بعد از دوسالگی دیگر رضاع تحقیق پیدا نمی کند (شهید ثانی: ۱۴۱۰: ۵، ۱۶۳) در این صورت بین فرزندخوانده (چه پسر باشد چه دختر و زوجین از راه رضاع به وسیله زوجه یا یکی از بستگان زن و شوهر محرمیت حاصل می شود و بعد از آن احکام رضاع بین آن ها جاری می گردد (مرادی و دیگران، بی تا: ۵-۳).



بخش هشتم: راه‌های محرم شدن در اسلام

راه‌های محرم شدن در اسلام منحصر در سه راه است که عبارت‌اند از: نسب، رضاع و سبب. «نسب»، همان راه ولادت است که از طریق آن، افراد به یکدیگر محرم می‌شوند؛ مانند محرمیتِ پسر به مادر و دختر به پدر.

«رضاع» شیر دادن است که اگر زنی با شرایطی که در کتاب‌های فقهی ذکر شده است کودکی را شیر بدهد، افرادی از جمله خودش، شوهرش، فرزندانش به آن کودک محرم خواهند شد. «سبب» همان ازدواج است که با وقوع آن عده‌ای به یکدیگر محرم می‌شوند؛ مانند عروس به شوهر و پدرشوهر و داماد به همسر و مادرزن.

محرمیت فرزندخوانده، حال سؤال اینجاست که اگر زن و شوهری کودکی را به فرزندخواندگی خود در آورند چگونه مسئله محرمیت او را حل کنند؟ چرا که او وقتی به سن تکلیف رسید اگر دختر باشد به مرد خانواده (پدرخوانده خود) نامحرم است و اگر پسر باشد به خانم خانه (مادرخوانده خود). در پاسخ باید گفت: چون راه محرم شدن، منحصر در آن سه راهی است که بیان شد؛ بنابراین باید کاری کرد تا از طریق یکی از همان راه‌ها بین فرزندخوانده و خانم یا آقای سرپرست محرمیت ایجاد شود (<https://www.parsine.com>/ اخبار مذهبی ۱۶ دی ۱۳۹۷). راه «نسب» یا همان ولادت که منتفی است؛ می‌ماند راه شیر دادن و ازدواج که این دو را می‌توان به روش‌های زیر عملی ساخت و با آن، محرمیت موردنظر را ایجاد کرد. شایان ذکر است آنچه در ادامه می‌آید راه‌های ممکن و پیشنهادی است؛ یعنی ممکن است کسی با بررسی جوانب مسئله که اشراف علمی به احکام شرعی از ضروریات آن است راه و یا راه‌های دیگری طراحی کند و از آن طریق، محرمیت موردنظر را به وجود آورد.

بخش نهم: راه‌های محرم شدن فرزندخوانده

اگر فرزندخوانده، پسر باشد: اگر فرزند بی‌سرپرستی که به فرزندخواندگی پذیرفته شده پسر باشد، از جهت محرمیت مشکلی با مرد خانواده ندارد؛ ولی برای ایجاد محرمیت باخانم خانه، می‌توان از راه‌های زیر اقدام کرد:

الف) اگر خود این خانم (مادرخوانده) شیر دارد (مانند این که خانم موردنظر، فرزند به دنیا آورده و فرزندش پس از تولد فوت کرده و می‌خواهد جای خالی فرزند فوت شده‌اش را با آوردن نوزاد بی‌سرپرستی پر کند) با رعایت شرایط شیردهی به آن پسر شیر دهد. در این صورت مادرخوانده، مادر رضاعی آن پسر شده به او محرم می‌شود.

ب) اگر مادر این خانم، شیر دارد با رعایت شرایط به این کاره شیر دهد. در این صورت مادرخوانده، خواهر رضاعی آن پسر می‌شود. ممکن است پدرخوانده‌ای بخواهد مسئله محرمیت نوزاد دختر را با عقد کردن او برای خود حل کند؛ یعنی دخترخوانده بشود همسر دوم او بی‌آنکه خواسته باشند به خود او و یا کس دیگری خبر دهند و بعد هم‌ده به سن ازدواج رسید، باز بی آن که کسی بفهمد پدرخوانده باقی مانده عقد موقت را ببخشد و دختر به عقد دیگری درآید، اما باید توجه داشت که با این کار، دخترخوانده تا وقتی به پدرخوانده محرم است که در عقد اوست و با جدایی دوباره به او نامحرم می‌شود.

ج) اگر خواهر یا خواهرزاده یا نوه خواهر این خانم شیر دارد با رعایت شرایط به این کودک شیر دهد در این صورت مادرخوانده خاله رضاعی آن پسر می‌شود.

د) اگر همسر یکی از برادرهای آن خانم، یا دختر برادرهایش و یا حتی نوه یکی از برادرهایش، شیر دارد با رعایت شرایط، به آن نوزاد شیر دهد، در این صورت مادرخوانده، عمه رضاعی آن می‌شود.

تمام راه‌های شیر دادن برای محرمیت در صورتی است که دوران شیرخوارگی بچه تمام نشده باشد؛ اما اگر دو سال او تمام شده است و یا هیچ‌کدام از زن‌های یادشده شیری برای شیر دادن به او ندارند در این صورت راه قابل ملاحظه‌ای برای محرمیت وجود ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۱۰۱).

اگر فرزندخوانده، دختر باشد: اگر فرزندخوانده دختر باشد، مشکلی از جهت محرمیت با مادرخوانده ندارد، اما با ورود به سن تکلیف بر مرد خانه (پدرخوانده) نامحرم خواهد شد که می‌توان از راه‌های زیر برای محرمیت آن‌ها اقدام کرد:



الف) همسرش یا همان مادرخوانده (مانند مثال قبل) به او شیر دهد. در این صورت پدرخوانده، پدر رضاعی آن دختر شده به او محرم می‌شود.

ب) مادرش (مادر پدرخوانده) به این نوزاد شیر دهد. در این صورت پدرخوانده، برادر رضاعی آن دختر می‌شود.

ج) خواهر یا خواهرزاده‌اش به او شیر دهد. در این صورت پدرخوانده، دایی رضاعی آن دختر می‌شود.

د) همسر برادر با یکی از برادرزاده‌هایش به او شیر دهد. در این صورت پدرخوانده، عمو رضاعی آن دختر می‌شود.

در این مورد هم، تمام راه‌های شیر دادن برای محرمیت، در صورتی است که دوران شیرخوارگی بچه تمام نشده باشد، اما اگر دو سال او تمام شده است و یا هیچ‌کدام از زن‌های یادشده شیری برای شیر دادن به او ندارند در این صورت، تنها راه آن است که آن دختر را به عقد موقت پدر پدرخوانده درآوردند تا آن دختر، زن بابای پدرخوانده شده برای همیشه به او محرم شود. لازم به ذکر است که در اینجا دخول شرط نیست؛ وی در چنین عقدی باید شرایط زیر رعایت شود:

- ۱- باید به مصلحت دختر بچه باشد، که غالباً هست.
 - ۲- با اجازه حاکم شرع صورت گیرد.
 - ۳- زمان عقد موقت کمتر از زمان لازم برای بهره‌گیری جنسی نباشد (مثلاً نگویند یک دقیقه) ولی پس از ساعتی باقیمانده مدت را می‌بخشند، تا در آینده، آن دختر با مشکلی مواجه نشود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۱۰۱). اگر مادر آن خانم در قید حیات باشد و شوهر هم نداشته باشد، می‌توان او را به عقد موقت آن پسر درآورد. در این صورت به آن خانم و خواهران و خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌هایش، محرم خواهد شد. مشروط بر این که دخول نیز صورت گیرد که در عرف مردم چنین چیزی معمول نیست.
- در خصوص این موضوع باید به چند نکته مهم زیر توجه نمود:

اولاً: ممکن است پدرخوانده‌ای بخواهد مسئله محرمیت نوزاد دختر را به عقد کردن او برای خود حل کند؛ یعنی دخترخوانده بشود همسر دوم او بی آنکه خواسته باشند به خود او و یا کس دیگری خبر دهند و بعد هم که به سن ازدواج رسید باز بی آنکه کسی بفهمد پدرخوانده باقی مانده عقد موقت را ببخشد و دختر به عقد دیگری درآید؛ اما باید توجه داشت که با این کار، دخترخوانده تا وقتی پدرخوانده محرم است که در عقد اوست و با جدایی دوباره به او نامحرم می‌شود.

بخش دهم: ارث‌بری فرزندخوانده از زوجین و برعکس در فقه و حقوق

پیش از اسلام «ارث» سه شیوه بوده است: نسبت عهد و پیمان، فرزندخواندگی - اما فرزندخواندگی از موجبات ارث نیست و بنا بر احکام اسلامی و طبق حدیث مشهور « مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ يَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعِ » (کلینی ۱۴۲۹: ۱۰، ۸۷۴) و (طوسی ۱۴۰۷: ۷، ۳۱۳) و (حر عاملی ۱۴۹۰: ۲۰، ۳۷۲) تنها موجب حرمت نکاح و محرمیت می‌شود. در این صورت می‌تواند به نحو صلح یا بخشش چیزی به فرزندخوانده بدهند (امام خمینی ۱۴۲۲: ۳، ۲۳۹). شیخ انصاری نیز در «رساله رضاعیه» خود می‌نویسد: بدان که رضاع باعث ارث بردن و واجب شدن نفقه و مانند این‌ها غیر از حرمت نکاح و محرمیت نمی‌شود. پس پدر رضاعی ولایت ندارد بر فرزند رضاعی و مادر رضاعی حق حضانت ندارد و گواهی مرتضع مسموع است و اگر مُخل او را بکشد در عوض او مُخل را می‌کشند و مثل پدر نسبی نیست که در عوض فرزند نتوان گشت (شیخ انصاری، بی‌تا: ۲۱۳). بر اساس ماده ۲ قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و به استناد ماده ۸۶۱ قانون مدنی، فرزندخواندگی از موجبات ارث نیست یعنی نه فرزندخوانده از پدر و مادرش ارث می‌برد و نه آنان از فرزندخوانده خود ارث می‌برند. به بیان قانون: «این سرپرستی به منظور تأمین منافع مادی و معنوی طفل برقرار می‌گردد ولی درهرحال از موجبات ارث نخواهد بود» لکن برای جلوگیری از بروز مشکلات برای کودک و جبران خلأ مذکور در آینده در ماده ۵ قانون آمده که یکی از شرایط صدور حکم سرپرستی تأمین هزینه نگهداری و تربیت و تحصیل طفل تا سن بلوغ و تا زمان فوت سرپرست است. همچنین طبق تبصره ذیل ماده ۵ مذکور: هرگاه وجوه یا اموالی از طرفین (زوجین) سرپرست به طفل تحت سرپرستی،



صلح شده باشد در صورت فوت طفل وجوه و اموال مذکور از طرف دولت به زوجین سرپرست تملک خواهد شد (مرادی و دیگران، بی تا: ۵-۳).

نتیجه گیری

بی شک پذیرش فرزندخوانده از سوی خانواده‌های بدون فرزند آثار و نتایج مثبت خود را در روابط سرد و بی‌روح زوجین نابارور در کوتاه زمانی نشان خواهد داد و گرمی و نشاط را به خانواده‌ها تزریق خواهد کرد، همچنین کودکی بی‌سرپرست در آغوش گرم خانواده‌ای قرار می‌گیرد که پشتوانه او در سختی‌ها و بحران‌های زندگی خواهند بود. لیکن با توجه به توضیحات و تحقیقات انجام شده در رابطه با مسئله فرزندخواندگی و آثار آن در زمینه‌های مختلف و با توجه به احکام دین مبین اسلام و قوانین موضوعه ایران و همچنین استفتائات مراجع تقلید واضح و روشن است که عمل زیبا و خداپسندانه پذیرش فرزند از جانب خانواده‌هایی که به دلایلی صاحب فرزند نمی‌شوند هیچ‌گونه رابطه نسبی ایجاد نمی‌کند همان‌گونه که هیچ یک از مراجع نیز آن را تأیید نکرده‌اند و به این ترتیب حکم مسائلی همچون محرمیت فرزندخوانده، نفقه، ارث‌بری و غیره روشن می‌شود.



منابع و مأخذ

۱. آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، ج ۱، ص ۳۱۱-۳۱۲، تهران ۱۳۵۴ ش.
۲. آیه... الموسوی الگلپایگانی محمد رضا، مجمع المسائل ج ۳ تا ۱۴ متری
۳. اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران (۱۲۵۸-۱۳۳۸ ش)، به کوشش تورج امینی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰ ش.
۴. امام خمینی(ره) روح... ترجمه کتاب تحریر الوسیله جلد ۴ ص ۵۴۶ - انتشارات دارالعلم
۵. امام خمینی(ره)، روح الله، تحریر الوسیله ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دارالعلم قم، چاپ ۵ سال ۱۳۷۰
۶. امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی، (ج ۴)؛ (تهران: کتابفروشی اسلامیة، بی تا)
۷. امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد ۴، ناشر انتشارات اسلامیة، چاپ هشتم، ۱۳۷۱
۸. باهر، حسین، نکاتی پیرامون حقوق جهانی کودک و نوجوان، ماهنامه دادرسی
۹. حر عاملی، محمد، وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۰۲ - ۵۰۰، کتاب النکاح، ابواب ما یحرم بالمصاهره، باب ۳۹.
۱۰. دفتری، احمد متین، خاطرات یک نخست وزیر، چاپ باقرعاقلی، تهران ۱۳۷۰ ش.
۱۱. زمانی درمزاری، محمد رضا، توسعه حقوق شهروندی(حقوق کودک)، روزنامه همشهری، شماره ۴۴۱۰، مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۷
۱۲. شریعتی، روح...، حقوق اقلیت ها، ۱۳۸۹، کتاب مرجع
۱۳. شهید ثانی، زین الدین الجبلی العاملی، الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ انتشار ۱۳۷۶ چاپ سوم
۱۴. شهید ثانی، شرح المعه کتاب اللقطه پیشین ص ۲۴۰ (والواجب) علی الملتقط (حضانته بالمعروف و هو تعهده بضروره تربیته بنفسه او غیره)
۱۵. شهیدی، مهدی - وضعیت حقوقی کودک از مایشگاهی، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی دوره دهم فروردین ۱۳۶۷



۱۶. شیخ طوسی، المبسوط، چاپخانه صدریه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۳۶
۱۷. صفائی، سیدحسین، امامی، اسدالله، حقوق خانواده، ج ۲، چاپ دانشگاه تهران
۱۸. صفایی، سید حسین، امامی، سید السدالله، حقوق خانواده جلد ۲، ناشر: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تاریخ انتشار: ۱۳۷۶، چاپ دوم
۱۹. عبدالله بن بیه، عبدالظاهر سلطانی، صنعت فتوا و احکام اقلیت ها، ۱۳۹۱، نشر احسان

